

آیت الله منتظری که از این مکاتبات با خبر میشود برای موسوی اردبیلی ، که در آن زمان رئیس شعبه عالی قضایی بود پیغام میدهد که :

" مگر قاضی های شما اینها را به ۵ یا ۱۰ سال زندان محکوم نکرده اند، مگر شما مسول نبوده اید، آن وقت تلفنی به احمد آقا میگویید که اینها را مثلا در کاشان اعدام کنند یا در اصفهان.. شما خودت میرفتی با آنها صحبت میکردی که کسی که مثلا مدتی در زندان است و به ۵ سال زندان محکوم شده و روحش هم از فعالیتهای منافقین خبر دار نبوده چطور ما او را اعدام کنیم. "

منتظری در آن زمان در نامه معروف خود به خمینی می نویسد :

" آیا میدانید که جنایاتی در زندانهای جمهوری اسلامی بنام اسلام در حال وقوعند که شبیه آن در رژیم منحوس شاه هرگز دیده نشد؟ آیا میدانید که تعداد زیادی از زندانیها تحت شکنجه توسط بازجویانشان کشته شده اند؟ آیا میدانید که در زندان (شهر) مشهد، حدود ۲۵ دختر بخاطر آنچه بر آنها رفته بود ... مجبور به درآوردن تخمدان یا رحم شدند؟ آیا می دانید که در برخی زندانهای جمهوری اسلامی دختران جوان به زور مورد تجاوز قرار میگیرند ... " شکنجه ها و رفتارهای وحشیانه ای که بر زندانیان به ویژه بر دختران باکره در آن مقطع اعمال شده است بنا بر گفته بازمانده گان آن دوره غیر قابل انکار است.

آیت الله منتظری نامه ایی دیگر به خمینی مینویسد و در آن گفته های حاکم شرع یکی از استانهای کشور را نقل می کند :

"سه روز قبل قاضی شرع یکی از استانهای کشور که مرد مورد اعتمادی میباشد با ناراحتی از نحوه اجرای فرمان حضرت عالی به قم امده بود. میگفت مسئول اطلاعات یا دادستان (تردید از من است) از یکی از زندانیان برای تشخیص این که سر موضع است یا نه پرسید، تو حاضری سازمان منافقین را محکوم کنی؟ ، گفت آری، پرسید حاضری مصاحبه کنی؟ ، گفت آری، پرسید حاضری برای جنگ عراق به جبهه بروی؟ ، گفت آری، پرسید حاضری روی مین بروی؟ ، گفت مگر همه مردان حاضرند روی مین بروند، وانگهی از من تازه مسلمان نباید این همه انتظار داشت. گفت معلوم میشود تو هنوز سر موضعی، و با او معامله سر موضع انجام داد، و این قاضی شرع میگفت من هر چه اسرار کردم تصمیمات به اتفاق آرا باشد و اکثریت پذیرفته نشد، و نقش اساسی را همه جا مسئول اطلاعات دارد و دیگران عملا تحت تاثیر میباشند..."